



Mobile Autoethnography as a Method for Understanding Lived Experience of Urban Mobility

ARTICLE INFO

Article Type

Short Research

Authors

Nazarpoor, M*¹PhD Student

How to cite this article:

Nazarpoor.M. Mobile Autoethnography as a Method for Understanding Lived Experience of Urban Mobility. Urban Design Discourse- a Review of Contemporary Literatures and Theories. 2021;1(4):1-11.

ABSTRACT

The scholars of social sciences and human geography used to consider the concepts like belonging, identity, attachment, and so on as solely the outcome of stability and settlement in a particular place and mobility as a threat to these concepts. However, with the emergence of “Mobilities Turn” and consequently the “New Mobilities Paradigm”, different flows and modes of movement are considered as actions constructing various individual and collective lived experiences, enabling the new experience of the expressed concepts from among the moving experiences. No comprehensive and proper methodologies have been developed for understanding these mobile lived experiences although two decades have passed since the emergence of this new paradigm and this epistemological issue in the field of social sciences. The study tries to develop the methodology existing in the social sciences to understand these mobile lived experiences – the methods that can reach the hidden meanings of these mobile experiences. After examining this methodological gap, the study proposes “mobile autoethnography” as a new approach to understand these lived experiences in motion: an approach enabling the researcher to understand the lived meanings in the actions of movement in everyday life environments through the lived experience of self and others within the framework of the new mobilities paradigm.

Keywords: Mobilities Turn, New Mobilities Paradigm, Mobile Lived Experience.

¹Art Faculty, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Article History

Received: February 20, 2021

Accepted: March 13, 2021

ePublished: March 30, 2021

*Correspondence

Address: Art Faculty, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Phone/Fax:

mohammad_nazarpoor@modares.ac.ir

خود مردم نگاری متحرک به مثابه روشنی برای فهم تجربه های زیسته از جابجایی های شهری

محمد نظرپور*

دانشجوی دکتری، شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت
مدرس، تهران، ایران

مقدمه

زندگی روزمره و ساختار اجتماعی امروزی به طور روزافزونی به جابه جایی وابسته شده است (یوری، ۲۰۰۷؛ ادی، ۲۰۱۰؛ شهرها و مکان های امروزی از خلال فعالیت ها و کنش های متحرک روزمره فردی و جمعی تجربه می شوند و از این طریق مفاهیمی چون ادراک، تصاویر ذهنی، فرآیندهای معنا سازی از مکان و افراد دیگر، روابط و هویت اجتماعی، تعلق به مکان و ... را دگرگون می کنند. در حالی که در گذشته پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و جغرافیای انسانی مفاهیمی چون تعلق، هویت، دل بستگی و... را صرفاً محصول ثبات و استقرار در مکان خاص تصور و تحرک را صرفاً محصول ثبات و استقرار در مکان خاص تصور و تحرک را به عنوان تهدیدی در برابر این مفاهیم تلقی می کردند، با ظهور «چرخش جابه جایی» و به تبع آن شکل گیری «پارادایم جدید جابه جایی»، جریان ها و شیوه های متعدد جابه جایی به مثابه کنش های بر سازنده تجارب زیسته متفاوت فردی و جمعی در نظر گرفته می شود که تجربه جدیدی از مفاهیم بیان شده را از خلال تجارب متحرک ممکن می کند. با اینکه دو دهه از ظهور این پارادایم جدید و این مسئله معرفت شناسانه در حوزه علوم اجتماعی می گذرد هنوز روش شناسی جامع و متناسب برای درک و فهم این تجارب زیسته متحرک ارائه نشده است. مقاله حاضر به دنبال بسط روش شناسی موجود در علوم اجتماعی برای فهم و درک این تجارب زیسته متحرک است؛ روش هایی که بتوانند به معانی نهفته در این تجارب متحرک دست پیدا کنند. این مقاله پس از بررسی این خلا روش شناسانه، «خود مردم نگاری متحرک» را به مثابه روشنی نو برای فهم این تجارب زیسته در حین حرکت پیشنهاد می کند. روشنی که به محقق امکان فهم معنا های زیسته در کنش های جابه جایی در محیط های زندگی روزمره را از خلال تجربه زیسته خود و دیگران در چارچوب پارادایم جدید جابه جایی فراهم می کند.

با اینکه دو دهه از ظهور این پارادایم جدید و این مسئله معرفت شناسانه در حوزه علوم اجتماعی می گذرد هنوز روش شناسی جامع و متناسب برای درک و فهم این تجارب زیسته متحرک ارائه نشده است. خلا سنت روش شناسی حاکم بر علوم اجتماعی سبب شکل گیری روش های نوظهور متفاوتی شده است که سعی دارند این تجارب زیسته متحرک نزد کنشگران را به چنگ بیاورند. مقاله حاضر پس از تشریح چرخش جابه جایی در علوم اجتماعی و بررسی خلا روش شناسانه برای فهم تجارب زیسته متحرک، «خود مردم نگاری متحرک» را به مثابه روشنی نو

چکیده

در حالی که در گذشته پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و جغرافیای انسانی مفاهیمی چون تعلق، هویت، دل بستگی و... را صرفاً محصول ثبات و استقرار در مکان خاص تصور و تحرک را به عنوان تهدیدی در برابر این مفاهیم تلقی می کردند، با ظهور «چرخش جابه جایی» و به تبع آن شکل گیری «پارادایم جدید جابه جایی»، جریان ها و شیوه های متعدد جابه جایی به مثابه کنش های بر سازنده تجارب زیسته متفاوت فردی و جمعی در نظر گرفته می شود که تجربه جدیدی از مفاهیم بیان شده را از خلال تجارب متحرک ممکن می کند. با اینکه دو دهه از ظهور این پارادایم جدید و این مسئله معرفت شناسانه در حوزه علوم اجتماعی می گذرد هنوز روش شناسی جامع و متناسب برای درک و فهم این تجارب زیسته متحرک ارائه نشده است. مقاله حاضر به دنبال بسط روش شناسی موجود در علوم اجتماعی برای فهم و درک این تجارب زیسته متحرک است؛ روش هایی که بتوانند به معانی نهفته در این تجارب متحرک دست پیدا کنند. این مقاله پس از بررسی این خلا روش شناسانه، «خود مردم نگاری متحرک» را به مثابه روشنی نو برای فهم این تجارب زیسته در حین حرکت پیشنهاد می کند. روشنی که به محقق امکان فهم معنا های زیسته در کنش های جابه جایی در محیط های زندگی روزمره را از خلال تجربه زیسته خود و دیگران در چارچوب پارادایم جدید جابه جایی فراهم می کند.

کلیدواژه ها: چرخش جابه جایی، پارادایم جدید جابه جایی، تجربه زیسته متحرک، خود مردم نگاری متحرک.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

نویسنده مسئول: mohammad_nazarpoor@modares.ac.ir

'Urry

'Adey

'Lived Practices

از خلال چشم اندازی میان رشته ای برای فهم این تجارب زیسته در حین حرکت پیشنهاد می کند. روشی که به محقق امکان فهم معناهای زیسته در کنش های جابه جایی در محیط های زندگی روزمره را از خلال تجربه زیسته خود و دیگران در چارچوب پارادایم جدید جابه جایی فراهم می کند. این پژوهش پس از تبیین خود مردم نگاری به عنوان روشی نوظهور در تلاقی چهار چرخش فکری میان رشته ای (چرخش فرهنگی^۶، چرخش روایی^۷، چرخش فضایی^۸ و چرخش انعکاسی^۹) با اضافه کردن چرخش جابه جایی به معرفی و تشریح «خود مردم نگاری متحرک» می پردازد.

جريان های حرکتی ای شد که جوامع از طریق آن کنش های فردی و اجتماعی خود را پی می گیرند. از این زمان بود که جامعه شناسان، جغرافی دانان و انسان شناسان بر جنبه های متفاوت حمل و نقل و جابه جایی شهری با هدف فهم زندگی اجتماعی متمرکز شدند (سیمپسون ۲۰۱۸^{۱۰}؛ جفه و کونینگ ۲۰۱۶^{۱۱}؛ گمبل، سنیزک، نیلسن ۲۰۱۷^{۱۲}). از این منظر، حمل و نقل و جابه جایی نه صرفاً فعالیتی کارکرده برای اتصال مبدأ به مقصد، که یک عمل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، متأثر از تجربه های تجسم یافته و زیسته است.

این چرخش معرفت شناسانه برای فهم تجارب زیسته افراد در خلال شیوه های متنوع جابه جایی در گام بعدی به شکل گیری یک «مسئله روش شناسانه» منجر شد که در آن چگونگی به چنگ آوردن تجارب زیسته متحرک به عنوان چالش جدید روش شناسی مطرح شد. انتقاد از سنت روش شناسی حاکم بر علوم اجتماعی که در فهم «تجارب متحرک»^{۱۳} ناتوان بوده اند (لاو و بوری، ۲۰۰۴^{۱۴}) زمینه های شکل گیری موج نوآورانه ای از روش های جدید را ذیل یک چتر روش شناسانه جدید فراهم کرد.

فهم «تجربه های متحرک»: یک مسئله روش شناسی چرخش جابه جایی و شکل گیری پارادایم جدید جابه جایی توجهات پژوهشی را به سمت فهم تجربه های متحرک افراد در زندگی

«چرخش جابه جایی»: یک مسئله معرفت شناسی

در طول آخرين دهه از قرن بیستم علوم اجتماعی و مشخصاً جامعه شناسی و جغرافیای انسانی یک «چرخش جابه جایی» (کرسول، ۲۰۰۶^{۱۵}) را تجربه کرد که حتی گاهی به عنوان یک «پارادایم جدید جابه جایی» (شلر و بوری، ۲۰۰۶^{۱۶}) از آن یاد می شود. در حالی که در گذشته تداعی ها، تعلقات و هویت ها به عنوان محصول محلیت، ثبات و استقرار در مکان خاص در نظر گرفته می شد و «تحرک» در پژوهش های جغرافیای انسانی به عنوان یک تهدید برای این مفاهیم تلقی می شد (بوری، ۲۰۰۰)، در این پارادایم جدید با نقد نگاه ایستا به شهر (ککس، ۲۰۱۹^{۱۷}؛ جنسن، ۲۰۰۹^{۱۸}) باور اصلی بر این امر استوار است که ما مردم و روابط اجتماعی را صرفاً به عنوان مفاهیم که ریشه در مکان های مشخص دارند نمی توانیم درک کنیم؛ بلکه می بایست همچنین بر جنبش ها، جريان ها و شبکه هایی که مردم را به یکدیگر و به هر چیز دیگری (به طور کلی شهر) متصل می کند نیز توجه کنیم. «جريان های حرکتی متفاوت، جوامع متفاوتی را شکل می دهند» (بوری، ۲۰۰۷). بنابراین شهرها و مکان های معاصر علاوه بر بخش های ثابت و ایستای خود با جريان جابه جایی خود نیز تعریف می شوند (شین، ۲۰۰۵^{۱۹}؛ جنسن، ۲۰۰۹^{۲۰}). این امر سبب تغییر کانون توجهات پژوهشی از ساختارهای ایستا جامعه به سمت

^۱Jensen

^۲Shane

^۳Simpson

^۴Jaffe, & Koning

^۵Gamble, Snizek & Nielsen

^۶Mobile Experiences

^۷Law & Urry

^۸Cultural Turn

^۹Narrative Turn

^{۱۰}Spatial Turn

^{۱۱}Reflexive Turn

^{۱۲}Cresswell

^{۱۳}Sheller & Urry

^{۱۴}Cox

اشتیاق‌ها و دردهایی که در حرکات و جایجاپی افراد، اشیا، اطلاعات و ایده‌ها جریان دارند» (لاو و یوری، ۲۰۱۴: ۴۰۳-۴۰۴). بنابراین در جهان پیچیده متحرک و سیال امروز که جایجاپی هسته اصلی آن است، نیازمند بازنگری در روش‌های موجود و نوآوری‌های روش‌شناسانه‌ای هستیم که بتواند بازتاب مناسبی از این جهان را فراهم کند و امکان دستیابی به یک «فهم معنادار»^{۲۳} (دی‌آندرآ، سیلیفی، گری، ۲۰۱۱^{۲۴}) را برای پژوهشگران شکل دهد. از طرف دیگر علاقه روزافزون به رویکردها و روش‌های متحرک در این پژوهش‌های به دلیل عدم اعتماد روزافزون به کاربست پارادایم‌های پژوهشی پوزیتیویستی است که ستتاً بر فضای پژوهشی علوم اجتماعی سیطره داشته است (ککس، ۲۰۱۹؛ بنهام و جانسون، ۲۰۱۵). روش‌های موجود متأثر از این پارادایم نمی‌توانند به اندازه کافی در مواجهه با زندگی متحرک (یوری، ۲۰۰۷) کارآمد باشند و لایه‌های مختلف تجارب برآمده از آن را نشان دهند (اوسترهویس، ۲۰۱۶^{۲۵}؛ پسپس، ۲۰۱۰^{۲۶}؛ بلکمن و ون، ۲۰۱۰^{۲۷}؛ کوپلس و ریدلی، ۲۰۰۸^{۲۸}). برای پیدا کردن پاسخ سوالاتی از قبیل اینکه چه عوامل محیطی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیکی و نهادی بر چیستی، چرایی و چگونگی تجربه شیوه‌های متفاوت جایجاپی تأثیر می‌گذارد و از آن‌ها تأثیر می‌گیرد، پارادایم پوزیتیویستی و روش‌شناسی کمی نمی‌تواند به فهم این تجربه تجسم یافته از رابطه انسان-انسان-مکان دست یابد (مریمن، ۲۰۱۴؛ لاو و یوری، ۲۰۰۴). سوالاتی که برای دستیابی به پاسخ‌های معنادار آن‌ها بایستی از روش‌شناسی‌های تفسیری که امکان دستیابی به یک فهم معنادار در ارتباط با تجربه جایجاپی را فراهم می‌کنند استفاده کرد.

بنابراین روش‌های جدید برای فهم تجربه جایجاپی می‌بایست از یکسو از منظر روش‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی توانایی فهم لایه‌های عمیق از فرآیندهای معنا‌سازی کنشگران متحرک را در خلال تجربه زیسته آن‌ها داشته باشد و از طرفی

روزمره آن‌ها معطوف کرد. در جهانی که به نظر می‌رسد تماماً در حال حرکت است (شلر و یوری، ۲۰۰۶) و جامعه به‌گونه‌ای سازمان‌دهی می‌شود که مستلزم جایجاپی و تحرک انسان است (ادی، ۲۰۱۰؛ یوری، ۲۰۰۷)، علوم اجتماعی نیازمند جعبه‌بازار روش‌شناسانه جدیدی برای فهم آن خواهد بود؛ جعبه‌بازاری که بتواند معنای نهفته در لایه‌های عمیق تجربه زیسته کنش‌های متحرک کنشگران را به چنگ بیاورد (بینک، ۲۰۰۹؛ مریمن، ۲۰۱۴). در مقابل روش‌های ایستا که در مواجهه با جنبه‌های حسی و ادراکی در بسترها فضا-زمان ناتوان هستند (لاو و یوری، ۲۰۰۴)، ظهور روش‌های متحرک می‌تواند به شناخت این جنبه‌های خاص تجربه انسانی در خلال میادین پویای بدون مرز را فراهم می‌کند (بوچر و یوری، ۲۰۰۹؛ سترول، ۲۰۰۲؛ موسکات، موسکات، زهرر، ۲۰۱۷^{۲۹}). لاو و یوری (۲۰۰۴) فهرستی از شکاف‌های پدید آمده در روش‌های تحقیقاتی موجود را که نمی‌توانند به فهم عمیقی از تجربه جایجاپی دست پیدا کنند، این‌چنین بیان می‌کنند: «آن‌ها [روش‌های موجود] برای مثال بهطور به شکل ضعیفی به «امر زودگذر» پرداختند – که امروز هست و فردا خواهد رفت – تا تنها خود را روز بعد از فردا دوباره عیان کند. آن‌ها به طرز ضعیفی با مفهوم «توزیع شده» سروکار داشتند – یعنی اینجاوآنجا باید یافت شود ولی نباید در میان قرار گیرد – و یا همچنین با مفاهیمی که [در تجربه] بین یک یا چند فضا و مکان متغیر است زیاد سروکاری نداشتند. آن‌ها به طور ضعیفی با مفهوم «چندگانه» سروکار داشتند – مفهومی که در مکان‌های مختلف شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد. آن‌ها با مفاهیم «غیر علی، آشفته و پیچیده» ارتباط ضعیفی دارند؛ و این روش‌ها در پرداختن به «امر حسی» – که مربوط به بینایی، شناوایی، چشایی، بوبایی هستند – ناتوان هستند. این ارتباط ضعیف با حالات احساسی نیز دیده می‌شود – درد، خشم، درد، عصبانیت، لذت، آمال و یا حالت معنوی می‌تنی بر فضا و زمان –

Oosterhuis

Pesses

Blackman & Venn

Cupples & Ridley

pink

Merriman

Streule

Muskat, Muskat & Zehrer

Meaningful Understanding

D'Andrea, A., Ciolfi, L. and Gray

متحرک موردمطالعه شریک می شود و با غوطه وری در جریان های زودگذر، سیال و چند حسی تجاری جابه جایی، به جمع آوری اطلاعات چند میدانی می پردازد. ظهور طیفی متنوعی از این روش ها به شکل گیری «روشناسی های در حال حرکت»^{۷۸} منجر شده اند. مردم نگاری ویدئویی،^{۷۹} مردم نگاری متحرک^{۸۰} مصاحبه های در حین رکاب زنی^{۸۱} و یا پیاده روی^{۸۲} همراه با مشارکت کنندگان، پیاده روی های فعالانه^{۸۳} به عنوان شیوه ای برای فهم تجربه مکان های متباین از جمله این روش ها هستند. روش هایی که در کنار جمع آوری و تحلیل داده ها به شکل ایستا از کنشگران، به جمع آوری داده ها و تحلیل در حین حرکت آن همراه با آن ها نیز می پردازد. ظهور تمام این روش های جدید نشان از ضرورت معرفی روش های پژوهشی جدید در ارتباط با پارادایم جدید جابه جایی است که فهم تجربه متحرک را در دستور کار خود قرار داده اند. پژوهش هایی که در سال های اخیر از این روش ها در بسترهای مختلف برای فهم کنش های متحرک بهره برده اند (اسپینی، ۲۰۱۱؛ براون و اسپینی، ۲۰۱۰؛ پس، ۲۰۱۰؛ لاوریر، ۲۰۱۰؛ استرول، ۲۰۲۰؛ پوجاداس و مازا، ۲۰۱۸^۳؛ لی و اینگولد، ۲۰۰۶)

خود مردم نگاری: روایت تجربه زیسته پژوهشگر
به نظر می رسد از بین این روش های نوظهور، خود مردم نگاری^{۸۴} از سایرین می تواند در حوزه پژوهش تجارب زیسته متحرک مفید باشد و در کنار تجربه زیسته خود محقق، روش های متنوع جمع آوری اطلاعات مردم نگارانه چون ضبط ویدیویی و صوتی، مصاحبه ها و گفتگوها، اسناد و تصاویر و... را نیز در خود پوشش دهد. خود مردم نگاری به عنوان یکی از روش های نوظهور در مردم نگاری است که به ترتیج از دهه ۸۰ میلادی مطرح شده و تا به امروز در حوزه های متنوعی بسط و

به عنوان روش پژوهش می باشد به باز تعریف جدیدی از نقش پژوهشگر در میدان پژوهش جدید که مبتنی بر خاصیتی سیال، چند مرکزی، پیچیده و متحرک است، دست بزند. این بدان معناست که محقق بتواند از طریق «یادگیری به همراه»^{۸۵} (اینگولد، ۲۰۰۰^۳) کنشگران متحرک به «یادگیری همدلانه»^{۸۶} (ککس، ۲۰۱۹) با آن ها مشغول شود و به عنوان شکل جدید از «مشارکت کننده فعال»^{۸۷} (لاوریر، ۲۰۱۰^۳) که مبتنی بر تجربه مشترک حرکتی با مشارکت کنندگان پژوهش است، به بررسی لایه های مختلف تجربه متحرک نزد آن ها بپردازد (اسپینی، ۲۰۱۱؛ وینی و استوارت، ۲۰۱۷) تا بتواند در نهایت بافت های مختلف تجربه کنشگران را گره گشایی کرده و به فهم عمیق از تجربه زیسته متحرک نائل آید. در ادامه روش های نوظهور برای فهم تجربه متحرک که در سال های اخیر ذیل پارادایم جدید جابه جایی مطرح و کاربرست پیدا کرده اند، معرفی و سپس با طرح خوانش جدیدی از «خود مردم نگاری» به عنوان «خود مردم نگاری متحرک»، روش جدید و مفیدی برای استفاده در پژوهش های حوزه جابه جایی از منظر این پارادایم جدید پیشنهاد می شود.

روش های نوظهور: پژوهشگر در حرکت

روش های جمع آوری داده کیفی در علوم اجتماعی سنتا شامل روش های ایستا از جمله مصاحبه های فردی و گروهی، گروه متمرکزا و مشاهدات میدانی محدود بوده اند که در آن مشارکت کنندگان و پژوهشگر در یک نقطه ایستا در مقابل هم دیگر قرار می گیرند که در آن ها محقق به بررسی کنش ها در محیط و زمانی خارج از محیط و زمان وقوع آن کنش ها، می پرداخت. اما با وقوع چرخش جابه جایی و ظهور پارادایم جدید جابه جایی، شیوه های جدید و خلاقانه ای برای فهم «پدیده های متحرک»^{۸۸} به وجود آمدند که در حالی که پژوهشگر در کنش های

^{۷۸}Video Ethnography

^{۷۹}Mobile Ethnography

^{۸۰}Ride-Along Interview

^{۸۱}Go-Along Interview

^{۸۲}Actively Walking

^{۸۳}On the Move

^{۸۴}Pujadas & Maza

^{۸۵}Autoethnography

^{۸۶}Learning with

^{۸۷}Ingold

^{۸۸}Empathetic Learning

^{۸۹}Active Participant

^{۹۰}Laurier

^{۹۱}Spinney

^{۹۲}Moving Phenomena

^{۹۳}Moving Methodologies

انواع داده‌ها باشد. خود مردم‌نگاری تحلیلی به طور هدفمند از طریق مشاهده، مستندسازی، مصاحبه‌ها، یادداشت‌برداری و سایر روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در عمل به مطالعه سیستماتیک میدان فرهنگی می‌پردازد. خود مردم‌نگاری تحلیلی فراتر از «من» محقق است و بیشتر از داده‌های متنوع میدانی در کنار تجربه زیسته خود استفاده می‌کند. برخلاف خود مردم‌نگاری عاطفی که تنها در بی صداقت و تائید صحت تجربیات سویژکتیو محقق است، خود مردم‌نگاری تحلیلی مبتنی بر تجربه زیسته محقق پا را فراتر از آن می‌گذارد و به جای توضیح ساده در مورد آنچه اتفاق می‌افتد، به دنبال ترسیم و افزودن به فهم نظری فرآیندهای اجتماعی موردمطالعه است و نگاه محقق بین یک تمرکز بیرونی تخصصی و یک نگاه درونی هم‌دلانه به شکل رفت و برگشتی حرکت می‌کند. خود مردم‌نگاری تحلیلی باعث می‌شود تا مشارکت محقق در موقعیت پژوهش در تجزیه و تحلیل گنجانده شود و با استفاده بیشتر از تفسیر داده‌های موجود، به درک نظری فرآیندهای اجتماعی موردمطالعه اضافه کند.

خود مردم‌نگاری متحرک: فهم عمیق تجارب متحرک
در سال‌های اخیر خود مردم‌نگاری در حوزه‌های مطالعاتی متنوعی چون علوم اجتماعی، علوم سیاسی، آموزش و پرستاری برای دستیابی به فهم فرهنگی از تجارب انسانی بکار گرفته شده است. اما این روش به چند دلیل اصلی می‌تواند روشی کارآمد در حوزه فهم تجربه زیسته متحرک نیز باشد؛ اول اینکه این روش پیوندی معنادار با تجربه زیسته دارد؛ محقق در این روش تجربه زیسته خود را روایت می‌کند و در این روایت لایه‌های متنوعی از آن آشکار می‌شود، دوم اینکه این روش به دلیل پیوندهای آن با مردم‌نگاری از ابزارهای مختلف جمع‌آوری اطلاعات میدانی بهره می‌گیرد و بنابراین می‌تواند ابزارهایی چون گفتگوها و مصاحبه‌های در حال حرکت، تصاویر و ویدئوهای ضبط شده از تجربه‌های حرکتی، خاطرات و نوشته‌های افراد در مورد تجربه مکان‌های مختلف و ... برای فهم تجربه زیسته مورد بهره‌برداری

کاربرست پیدا کرده است. در این روش بیان خلاقانه محقق جایگاهی بسیار ویژه و ممتازی پیدا می‌کند و به پژوهشگر فرصت بیان شخصی ویژه‌ای داده می‌شود تا از خلال تجربه زیسته خود به یک فهم فرهنگی دست پیدا کند. به طور کلی خود مردم‌نگاری رویکردی از پژوهش و نگارش است که در پی توصیف و تحلیل نظاممند تجربه شخصی به منظور فهم تجربه فرهنگی است (چنگ، ۲۰۰۸^{۴۶}). الیس (۲۰۰۷) معتقد است که «کار خود مردم‌نگاری شامل یک حرکت رفت و برگشتی میان تجربه کردن و بررسی کردن خود و مشاهده و کشف زمینه‌ای وسیع‌تر از آن تجربه است». نویسنده با این وجود اینکه «من» را با پژوهش و نوشتار در هم می‌آمیزد، خود را طوری تحلیل می‌کند که گویی «دیگری» را مطالعه می‌کند (گودال، ۲۰۰۰^{۴۷}؛ الیس، ۲۰۰۴^{۴۸}). خود مردم‌نگاری تجربه زیسته محقق را در یک فضای ایزوله قرار نمی‌دهد بلکه آن را در مقایسه با تجربه دیگران مطرح می‌کند تا توصیفی غنی و متکثر از تجربه فرهنگی ارائه کند. این تعامل شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد که از گفتگوها، مصاحبه‌ها تا تجربه رویدادها و احساسات عاطفی مشترک که منجر به تجربه‌ای متکثر و بسیار غنی برای محقق می‌شود را شامل می‌شود.

خود مردم‌نگاری تحلیلی^{۴۹} با نوشه‌های هدفمند و تحلیل گروه خاص ارتباط دارد درحالی که هدف خود مردم‌نگاری عاطفی؛^{۵۰} درون‌نگری محققان در مورد موضوعی خاص است به گونه‌ای که به خواننده امکان برقراری ارتباط احساسی با داستان محقق را می‌دهد. در خوانش عاطفی، از طریق روایات شخصی دیگران متوجه صدمات، بینش‌ها و نقاط عطف زندگی شخصی نویسنده می‌شوند (الیس، آدامز، بوچنر، ۲۰۱۱)، درحالی که در خوانش تحلیلی محقق در میدان وارد می‌شود تا از خلال تجربه زیسته خود با استفاده از تفسیر داده‌های موجود، به درک نظری فرآیندهای اجتماعی موردمطالعه اضافه کند (اندرسون، ۲۰۰۶^{۵۱}). استفاده از خود مردم‌نگاری تحلیلی به عنوان یک رویکرد تحقیق باید شامل روش‌شناسی نظاممند در جمع‌آوری داده‌ها و تنوع در

^{۴۹}Analytic Autoethnography

^{۵۰}Evocative Autoethnography

^{۵۱}Anderson

^{۴۶}Chang

^{۴۷}Goodall

^{۴۸}Ellis

تجارب زیسته متحرک منبعث از پنج چرخش میان رشته‌ای است که تأثیرات روش شناسانه آن‌ها در پژوهش مردم‌نگاری آن را مفهوم‌پردازی می‌کنند. چرخش فرهنگی در مطالعات شهری به معنای شکل‌گیری توجهات ویژه به معنای فرهنگی مکان و محیط‌های شهری در دهه ۸۰ میلادی است (لش، ۱۹۹۰^۳؛ چنی، ۱۹۹۴^۴؛ جیمسون، ۱۹۹۰^۵). چرخش روایی در علوم انسانی به معنای شکل‌گیری توجهات ویژه به روایات و داستان‌های عامیانه از زندگی روزمره برای فهم معانی نهفته عمیق در میان کنش‌های انسانی است که در دهه ۷۰ میلادی آغاز و در دهه ۹۰ در پژوهش‌های این حوزه به اوج خود رسید (فلوردنیک، ۲۰۰۵؛ هرمن، ۲۰۰۵^۶). چرخش فضایی به معنای بازنگری در مفهوم «فضا» در علوم اجتماعی در دهه ۹۰ و نگاه به فضا به‌مثابه تولید اجتماعی است که در آن فضا دیگر به‌مثابه خلف خالی و یک واقعیت مادی مستقل در نظر گرفته نمی‌شود که توسط اشیاء و انسان‌ها پرشهده باشد بلکه خود تولیدی اجتماعی است (سوجا، ۲۰۰۸؛ لوفور، ۱۹۹۶^۷). چرخش انعکاسی در انسان‌شناسی نیز با ظهور بحران بازنمایی در دهه ۸۰ سبب شد انسان‌شناسی سنتی با عبور از توهם عینیت‌بی‌طرفانه محقق به سمت بازاندیشی پژوهشگر پیش رود که این امر موجب ظهور عنوان ژانرهایی در پژوهش انسان‌شناسی شد که محقق در آن کانون اصلی پژوهش است و صدای محقق در جای جای آن شنیده شود و دانش در دیالوگ فعال محقق و مشارکت‌کننده ساخته می‌شود (کلیفورد، ۱۹۸۸؛ مارکوس و فیشر، ۱۹۸۷؛ ترنر و برنز، ۱۹۸۷^۸).

قرار دهد، سوم اینکه این روش به دلیل تأکیدی که بر فهم تجربه زیسته در بسترها فرهنگی خود دارد و از آنجاکه فرهنگ جابه‌جایی نیز در بسترها مختلف متفاوت و در حال دگردیسی است، می‌تواند به فهمی عمیق از تجارب جابه‌جایی دست پیدا کند، علاوه بر این مردم‌نگاری نیز امروز پس از یک تحول زمانی، از یک درگیری فعال با یک میدان پژوهشی به سمت «تحلیل چند میدان بهصورت همزمان»^۹ حرکت کرده است (کرسول، ۲۰۱۲) که این امکان فهم تجربه‌های حرکتی را فراهم می‌کند. چهارم اینکه این روش در حوزه دست‌یابی به کیفیت‌های ذهنی و تجسم‌یافته جابه‌جایی به شیوه‌ای که کنشگران آن را برای خود معنادار می‌کنند، کارآمد است و درنهایت اینکه محقق را به عنوان یک مشارکت‌کننده فعال تجربه زیسته (اسپینی، ۲۰۱۱) در نظر می‌گیرد که در بطن تجربه «حضور دارد» و این سبب می‌شود محقق در جریان‌های حرکتی شهر غرق شده و به توصیفات فربه، عمیق و نزدیک از تجربه دست پیدا کند.

خود مردم‌نگاری را می‌بایست در محل تلاقی چهار چرخش اصلی؛ چرخش «فرهنگی» در مطالعات شهری و علوم اجتماعی، چرخش «روایی» در علوم انسانی، چرخش «فضایی» در علوم اجتماعی، چرخش «انعکاسی» در انسان‌شناسی دانست که در دیاگرام شماره مهم‌ترین وجه این چرخش‌ها و تأثیر آن در ظهور خود مردم‌نگاری تشریح شده است. با اضافه کردن لا یه چرخش «جابه‌جایی» در علوم اجتماعی می‌توان به دیاگرام نهایی دست پیدا کرد که خود مردم‌نگاری متحرک را نشان می‌دهد. بنابراین خود مردم‌نگاری متحرک به عنوان روش پیشنهادی پژوهش حاضر برای فهم

^۳Soja

^۴Lefebvre

^۵Clifford

^۶Marcus & Fischer

^۷Turner & Bruner

^۸Multisite Ethnography

^۹Lash

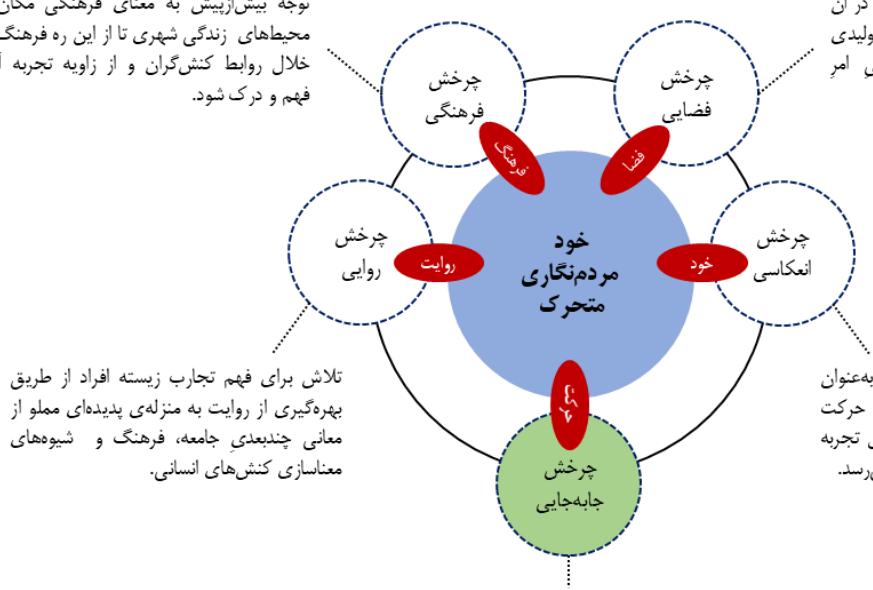
^{۱۰}Chaney

^{۱۱}Jameson

^{۱۲}Herman

توجه بیش از پیش به معنای فرهنگی مکان و محیطهای زندگی شهری تا این ره فرهنگ از خلال روابط کشنگران و از زاویه تجربه آنها فهم و درک شود.

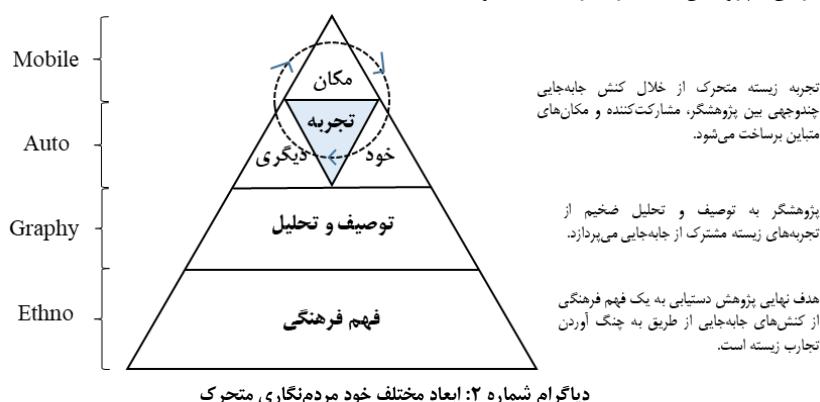
فضا دیگر طرفی نیست که روابط اجتماعی در آن جاری می شوند بلکه خود به عنوان «تولیدی اجتماعی» مطرح است. فضای اندیشه ای امر اجتماعی برونداد این چرخش فضایی است.



دیاگرام شماره ۱: تبیین خود مردم نگاری متحرک در تلاقی چهار چرخش میان رشتهدای

مردم نگاری متحرک» را برای فهم تجارت زیسته متحرک منتج از کنش های جایه جایی فردی و جمیع در چارچوب پارادایم جدید جایه جایی پیشنهاد می کند. دیاگرام شماره ۲ ارتباط چرخه ای میان پژوهشگر، مشارکت کننده و مکان ها را به عنوان سه وجه بر سازنده تجربه های زیسته متحرک نشان می دهد که پژوهشگر در جین فرآیند پژوهش به توصیف ضخیم آن ها برای رسیدن به یک فهم فرهنگی از مضامین و مقولات اصلی می پردازد.

خود مردم نگاری متحرک به دنبال فهم معنای زیسته در کنش های جایه جایی (متاثر از چرخش جایه جایی) در محیط های زندگی روزمره به عنوان محیط های بر سازنده هویت های فرهنگی (متاثر از چرخش فرهنگی) از خلال تجربه فضای اجتماعی (متاثر از چرخش فضایی) است که در آن روایت های زیسته (متاثر از چرخش روایی) کشنگران و پژوهشگر (متاثر از چرخش انعکاسی) جایگاه ویژه دارد. بنابراین پژوهش حاضر ترکیب «خود



دیاگرام شماره ۲: ابعاد مختلف خود مردم نگاری متحرک

سه وچهی در چارچوب توصیفات ضخیم مردم نگارانه به فهم لایه های عمیق تجربه جا به جایی و فرآیندهای معنا سازی در ارتباط با آن نزد کنشگران مختلف در بسترها متفاوت خواهد انجامید.

نتیجه گیری

زندگی امروز جهان به شدت به جا به جایی وابسته است، جا به جایی هایی که در سطوح خرد و کلان زندگی فردی و اجتماعی در بسترها متفاوت غرافیایی بر سازنده تجارب زیسته متفاوتی با مکان ها و انسان های دیگر است. علوم اجتماعی، جغرافیای انسانی، مطالعات فرهنگی، مطالعات شهری و ... نیازمند نگاه به کنش های جا به جایی به عنوان کنش های زیسته و تجارب تجسم یافته ای هستند که در ارتباط مستقیمی با مقولات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و محیطی قرار دارند. برای فهم این کنش های زیسته رجوع به تجربه زیسته افراد از جا به جایی در مرکزیت معرفت شناسانه این رشته ها در چارچوب یک چشم انداز میان رشته ای خواهد بود. از این منظر، حمل و نقل و جا به جایی نه صرفاً فعالیتی کارکردی برای اتصال مبدأ به مقصد، که یک عمل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، متأثر از تجربه های تجسم یافته و زیسته است. از طرفی برای نیل به این هدف، جعبه ابزار روش شناسانه ای نیاز است که توانایی به چنگ آوردن این تجارب زیسته متحرک را دارند، جعبه ابزاری که در مقابل روش هایی که مبتنی بر محلیت، تک میدانی، ثبات و یک جانشینی هستند، امكان جمع آوری داده های تولید و باز تولید شده در حین کنش جا به جایی را فراهم کند. پژوهش حاضر با معرفی این خلاصه روش شناسانه و بررسی روش های پراکنده ای که در سال های اخیر به دنبال پر کردن آن هستند، «خود مردم نگاری متحرک» را برای فهم تجارب زیسته جا به جایی پیشنهاد می کند. روشی که ذیل پارادایم تفسیر گرایی و رویکرد مردم نگاری توانایی فهم تجربه های زیسته افراد را در کنار تجربه زیسته پژوهشگر فراهم می کند، از روش های متفاوت و نامحدود جمع آوری اطلاعات بهره می گیرد، بر باز اندیشه پژوهشگر در فرآیند پژوهش تأکید می کند و آن را به عنوان مشارکت کننده فعال تجربه زیسته معتبر دانسته و صدایش را به گوش مخاطب می رساند و در نهایت اینکه محقق به دلیل تجربه زیسته خود از کشن جا به جایی در کنار مشارکت کنندگان، امكان در گیری با چند میدان پژوهشی را به شکل همزمان فراهم می کند. تجربه زیسته متحرک از خلال کشن جا به جایی چندوجهی میان پژوهشگر، مشارکت کننده و مکان های متباین برساخت می شود و داشت تولید شده از این ارتباط

منابع

1. Adams, T. E., Jones, S. H., & Ellis, C. (2015)
2. Autoethnography: Understanding qualitative research. New York, NY: Oxford University Press.
3. Adey, P. (2010). Mobility. London: Routledge.
4. Anderson, L. (2006) Analytic Autoethnography. *Journal of Contemporary Ethnography*, 35(4), 373-375.
5. Blackman, L. and Venn, C. (2010). Affect. *Body & Society* 16: 7.
6. Bonham, J., and Koth, B. (2010). Universities and the cycling culture. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 15(2), 94–102.
7. Brown, K. & Spinney, J. (2010) Catching a glimpse: The value of video in evoking, understanding and representing the practice of cycling, in: B. Fincham, M. McGuinness & L. Murray (Eds) Mobile Methodologies, pp. 130–151 (Aldershot: Ashgate).
8. Büscher, M., and Urry, J. (2009). Mobile methods and the empirical. *European Journal of Social Theory*, 12(1), 99–116.
9. Chaney, D. (1994). The cultural turn: scene-setting essays on contemporary cultural history, London: Routledge.
10. Chang, H. (2008) Autoethnography as Method. Walnut Creek, CA: Left Coast.
11. Clifford, J. (1988). The predicament of culture: twentieth century ethnography, literature and art. Cambridge: Harvard University Press.
12. Cresswell, T. (2006). On the move. Oxford, UK: Routledge.
13. Cresswell, T. (2012). Mobilities II: Still. *Progress in Human Geography*, 36(5), 645–653.
14. Cupples J, and Ridley, E. (2008). Towards a heterogeneous environmental responsibility: Sustainability and cycling fundamentalism. *Area* 40: 254–264.
15. D'Andrea, A., Ciolfi, L. and Gray, B. (2011) 'Methodological Challenges and Innovations in Mobilities Research'. *Mobilities* 6 (2), 149-160.
16. Denzin, N. (2014) interpretive autoethnography. 55 City Road, London: SAGE Publications.
17. Ellis, C. (2004). The ethnographic I: A methodological novel about autoethnography. Walnut Creek, CA: AltaMira Press.
18. Ellis, C., T. E. Adams and A. P. Bochner. (2011) Autoethnography: An Overview. *Forum: Qualitative Social Research*, 12 (1): Art. 10.
19. Fludernik, M. (2005) Histories on narrative theory (II): From structuralism to the present. In *A Companion to Narrative Theory*, edited by J. Phelan and P.J. Rabinowitz. Malden, MA: Blackwell.
20. Gamble, J & Snizek, B & Nielsen, T. (2017). From people to cycling indicators: Documenting and understanding the urban context of cyclists' experiences in Quito, Ecuador, *Journal of Transport Geography*, Elsevier, vol. 60(C), 167-177.
21. Goodall, H. L. (2000) Writing the New Ethnography. Walnut Creek, CA: AltaMira Press.
22. Hayano, D. (1979) Auto-ethnography: paradigms, problems and prospects. *Human Organization* 38, pp. 99–104.
23. Herman, David. (2005) Histories of narrative theory (I): A genealogy of early developments. In *A Companion to Narrative Theory*, edited by J. Phelan and P.J. Rabinowitz. Malden, MA: Blackwell.
24. Jaffe, R and Koning, A. (2016). Introducing urban anthropology. London, New York: Routledge.
25. Jameson, F. (1991) Postmodernism, or the cultural logic of late capitalism, Verso Books, London
26. Jensen, Ole B.(2009). "Foreword: Mobilities as Culture." In *Cultures of Alternative Mobilities: Routes Less Traveled*, edited by Philip Vannini, xv–xix. Burlington, VT: Ashgate Publishing.
27. Lash, S. (1990) Sociology of postmodernism, Routledge, London.
28. Laurier, E. (2010) Being there/seeing there: Recording and analysing life in the car, in: B. Fincham, M. McGuinness & L. Murray (Eds) Mobile Methodologies, pp. 103–117 (Aldershot: Ashgate).

29. Law, J. and Urry, J., (2004). Enacting the social. *Economy and Society*, 33:3, 390–410.
30. Lee J and Ingold T .(2006) Fieldwork on foot. Perceiving, routing, socializing. In: Coleman S and Collins P (eds) *Locating the Field. Space, Place and Context in Anthropology*. Oxford: Berg, pp. 67-85.
31. Lefebvre, H. (1996) Writing on cities. E. Kofman and E. Lebas, trans. And eds., Oxford: Basil Blackwell.
32. Marcus, G. E., and Fischer, M. M. (1986). Anthropology as cultural critique: an experimental moment in the human sciences. Chicago: University of Chicago Press.
33. Merriman P (2014). Rethinking mobile methods. *Mobilities* 9: 167–187.
34. Muskat, B & Muskat, M & Zehrer, A. (2017). Qualitative interpretive mobile ethnography, Anatolia.
35. Oosterhuis, Harry. (2015). Ingebakken gewoonte of buitenissige liefhebberij? Een vergelijking tussen nationale fietsculturen. *Sociologie*, 11, 3–30.
36. Pesses, M. 2010. “Automobility, Vélocity, American Mobility: An Exploration of the Bicycle Tour.” *Mobilities* 5 (1): 1–24.
37. Pujadas, JJ and Maza, G .(2018). Daily mobility and urban sprawl. Mobile ethnography in the metropolitan region of Barcelona (MRB). In: Ferro L, Smagacz-Poziemska M, Go’mez MV et al. (eds) *Moving Cities. Contested Views on Urban Life*. Wiesbaden: Springer VS, pp. 43–60.
38. Sheller, M., & Urry, J. (2006). The New Mobilities Paradigm. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 38(2), 207–226.
39. Simpson, P (2018). Elemental mobilities: atmospheres, matter and cycling amid the weather-world, Social & Cultural Geography.
40. Soja, E. (2008). The spatial Turn Interdisciplinary Perspectives. English: Routledge.
41. Spinney, J. 2011. “A Chance to Catch a Breath: Using Mobile Video Ethnography in Cycling Research.” *Mobilities* 6 (2): 161–182.
42. Streule, M. (2020). Doing mobile ethnography: Grounded, situated and comparative. *Urban Studies*, 57(2), 421–438.
43. Turner, V., and Bruner, E. (eds) (1986) *The Anthropology of experience*. Urbana, IL: University of Illinois Press.
44. Urry, J. (2007). *Mobilities*. Cambridge, UK: Polity.
45. Vannini, P., and L. M. Stewart. 2017. “The GoPro Gaze.” *Cultural Geographies* 24 (1): 149–155.
46. Vryan K. (2006) Expanding analytic autoethnography and enhancing its potential. *J Contemp Ethnogr*, 35(4):405–9.

